

عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر گرایش به نزاع طایفه‌ای (مورد مطالعه: عشایر ایل پیجیک، شهرستان اهر)

دکتر محسن شاطریان^۱، دکتر محسن نیازی^۲ و طاها عشایری^۳

تاریخ وصول: ۹۳/۸/۳

تاریخ پذیرش: ۹۴/۵/۱۱

چکیده:

نزاع به درگیری بین گروهی اطلاق می‌شود که بر سر ناسازگاری ارزشی، مسائل ناموسی، کمیابی منابع، فشار گروه‌ها، عصبیت اجتماعی و مواردی از این نوع در جوامع عشایری رخ می‌دهد. هدف اصلی پژوهش حاضر این است که چه عواملی در گرایش جوامع عشایری به نزاع طایفه‌ای تأثیرگذار است؟ روش مورد استفاده از نوع پیمایشی بوده و از طریق فرمول کوکران حجم نمونه ۲۷۰ نفر تعیین و بطور تصادفی توزیع شده است. یافته‌های استنباطی نشان می‌دهد که بین متغیرهای انسجام اجتماعی (۰/۴۱-)، مسئله‌ی ناموسی (۰/۵۵) تقسیم به گروه خودی و غیر خودی (۰/۵۵)، کمیابی منابع (۰/۶۱-)، جامعه‌پذیری (۰/۴۸)، معامله‌ی اجتماعی (۰/۲۵-) و ضعف بازدارندگی بیرونی (۰/۳۹-) با گرایش به نزاع طایفه‌ای معنادار و متغیر محرومیت نسبی و کنترل اجتماعی با نزاع طایفه‌ای معنادار نبوده است. ضریب همبستگی چندگانه برابر با ۰/۶۷۱ و ضریب تعیین برابر با ۰/۴۲۱ هست.

مفاهیم کلیدی: نزاع، عشایر، کمیابی منابع، جامعه‌پذیری، همیاری محلی

^۱ دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه کاشان shaterian@kashanu.ac.ir

^۲ استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه کاشان niazim@kashanu.ac.ir

^۳ دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران دانشگاه کاشان (نویسنده‌ی مسئول)

مقدمه و بیان مسئله

نزاع‌های جمعی در هر جامعه همیشه بعنوان یکی از مسائل اجتماعی مطرح و در گذشته و حال هم منشأ خسارات مالی و جانی فراوان بوده و هم مانع توسعه اجتماعی بوده است. نزاع^۱ نوعی برخورد جمعی ستیزه‌جویانه و پرخاشگرانه است که به علل گوناگون به وجود می‌آید و حتی موجب جرح و قتل می‌شود (رضایی و بحرینی، ۱۳۸۲: ۶۷). به برخوردهای جمعی ستیزه‌جویانه که به علل گوناگون به وجود می‌آید و موجب جرم و قتل می‌شوند نزاع جمعی می‌گویند (پورافکاری، ۱۳۸۳: ۷۵). در جوامع روستایی، نزاع برخاسته از سنت، فرهنگ، طبیعت جامعه است (اسکویر، ۲۰۱۲). در صورتی که نزاع را امری منفی بدانیم، باعث شیوع بی‌اعتمادی، قتل و خشونت در جامعه‌ی روستایی شده است (کشکوش، ۲۰۱۳). نزاع نوعی برخورد جمعی ستیزه‌جویانه و پرخاشگرانه است که به علل گوناگون به وجود می‌آید و موجب جرح و قتل می‌شود، آن را می‌توان بعنوان یکی از مسائل اجتماعی در حوزه‌ی کچ‌روی و انحرافات تلقی کرد که در همه‌ی جوامع سنتی یا مدرن و در همه‌ی سنین پیری یا جوانی، با درجات متفاوتی مطرح بوده و هست (صدیق‌سروستانی، ۱۳۸۴: ۱۵).

به‌زعم جکسون، نزاع طایفه‌ای برخاسته از سنت ایلی هست. وی نزاع بعنوان فرایندی تعریف می‌کند که در آن طوایف بر سر رسیدن به اهداف مشروع و غیر مشروع با هم سال‌ها می‌جنگند. در برخی از مناطق روستایی آفریقا که روستاییان که مسیر کوچ و اتراق مشترکی دارند، درگیری رخ می‌دهد. در مجموع علت اصلی منازعه‌ی آن‌ها بر سر مسائل ناموسی، سرقت احشام، درگیری چوپان‌ها، دخالت بزرگان و عواملی از این قبیل هست (جکسون، ۲۰۱۱: ۳۴). بر این اساس، درگیری‌های قومی و نزاع‌های جمعی، در هر دوره‌ای از تاریخ وجود داشته و در جوامع سنتی و ایلی این موضوع بیشتر نمود داشته است. شاید ضعف کنترل‌های خانوادگی و اجتماعی یا نبود قوانین جزایی متن یا عدم اجرای درست آن از سوی متولیان امر و ... خود دلیلی بوده است که افراد هر جامعه‌ای برای رسیدن به خواسته قانونی یا غیر قانونی خود، قوم و طایفه خود را برای هر نزاع جمعی گسیل سازند (خیال‌پرستان، ۱۳۸۸: ۲۱). این مسئله در گذشته و امروز، منشأ خسارات مالی و جانی فراوان شده و مانع توسعه اجتماعی اجتماع بوده است؛ بنابراین، نزاع در هر جامعه همیشه بعنوان یکی از مسائل اجتماعی مطرح بوده است. توصیف و تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر نزاع‌های جمعی از لحاظ اجتماعی حائز اهمیت است. منظور از نزاع جمعی، درگیری یا

^۱ Quarrel

دعوایی است که معمولاً با انگیزه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در درون یا بین جوامع مختلف بطور محدود یا گسترده یا بصورت مسلحانه یا غیر مسلحانه بین عده‌ای از افراد به وقوع می‌پیوندد که معمولاً به وارد آمدن خساراتی مادی و معنوی منجر می‌شود. به عبارتی، نزاع برخوردهای جمعی ستیزه‌جویانه و پرخاشگرانه‌ای است که به علل گوناگون به وجود آمده و موجبات عدم ثبات اجتماعی را فراهم می‌سازد (پورافکاری، ۱۳۸۳: ۳۷۵). بر این اساس، پژوهش حاضر قصد دارد به اهداف و سؤالات زیر پاسخ بدهد:

هدف پژوهش

- بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به نزاع طایفه‌ای ایل پیجیگ شهرستان اهر.

سؤالات پژوهش

- چه عواملی در گرایش مردم عشایر ایل پیجیگ شهرستان اهر به نزاع طایفه‌ای تأثیرگذار بوده است؟
- نظر مردم درباره‌ی ضرورت حمایت ایل و طایفه، همیاری محلی در شرایط اضطراری، ازدواج مابین طایفه‌ها، ساز و کار استیفای حق، نقش بزرگان ایل و ریش‌سفیدان در نزاع چگونه است؟

پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

ریشه‌یابی نزاع‌های دسته‌جمعی (مورد مطالعه: روستای کوچ و افشرد از توابع خواجه در استان آذربایجان شرقی)، نایبی و جسور خواجه (۱۳۸۸)؛ این پژوهش در مقطع زمانی ۱۳۸۸ به ریشه‌یابی نزاع‌های دسته‌جمعی از دیدگاه جامعه‌شناختی و نقش نیروهای اجتماعی می‌پردازد و برای بررسی نزاع از "نظریه‌ی ناکامی ستیزه‌جویی دولارد" و "نظریات تالکوت پارسونز و نظریه‌ی تضاد گروهی ولد" استفاده کرده است. با استفاده از روش کیفی به این نتیجه می‌رسد که درجایی که گروه‌های متمایز اجتماعی وجود دارند، مبارزه آن‌ها برای کسب قدرت و منابع کمیاب (آب و زمین) در بروز نزاع‌های دسته‌جمعی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. از سوی دیگر درجایی که نظام مبتنی بر خویشاوندی نسبتاً یکپارچه‌ای است و گروه‌بندی‌های اجتماعی شکل نگرفته است، نزاع‌های دسته‌جمعی به وقوع می‌پیوندد.

شریعتی، مهاجری و ملکی در پژوهشی با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر تمایلات بالقوه به نزاع‌های دسته‌جمعی در شهرستان خدابنده (۱۳۹۱)، به این نتیجه رسیدند که اختلاف ملکی و خانوادگی و عدم اعتماد به مراجع قضایی و انتظامی بر نزاع دسته‌جمعی تأثیر دارند.

میرساردو و مرتضی در پژوهشی با عنوان بررسی عوامل اجتماعی مؤثر در وقوع نزاع دسته‌جمعی در شاهرود (۱۳۹۱)، نشان دادند که متغیرهای کنترل اجتماعی پلیس، تعریف مثبت نزاع، کنترل اجتماعی والدین در نزاع دسته‌جمعی تأثیر معنی‌داری دارد.

ب) تحقیقات خارجی

رایس (۲۰۰۹) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که علت اصلی قتل ۱۸۵ نفر از زنان و کودکان در جنگ طایفه‌ای بیشتر در تحریک احساسات طایفه‌ای و فقدان نظارت اجتماعی است. وی در ادامه زندگی طایفه‌ای، فقدان منابع کافی برای گذران معیشت، مسائل ناموسی و شدت یافتن رقابت‌های گروهی را عامل نزاع گروهی می‌داند.

ریچموند (۲۰۱۱) علت اصلی جنگ و خونریزی بین گروه‌های سنتی و متکی به زندگی طایفه‌ای را در نداشتن آگاهی اجتماعی، فقر فرهنگی، مردسالاری، جامعه‌پذیری و فرهنگی شدن خشونت می‌داند.

گوگونی (۲۰۱۲) در پژوهش خود راجع به درگیری قومی در کنیا به این نتیجه رسید که تضاد گروهی، فقدان سازگاری ارزشی، حس برتری بینی، فقدان مدیریت تعارض، مسائل ارضی و سرزمینی زمینه‌ساز تنش بین گروه‌ها شده است.

سیکل (۲۰۰۶)، در پژوهش خود راجع به افغانستان، علت اصلی درگیری را تفاوت قومی - قبیله‌ای، تفاوت پایگاه اقتصادی، عصبیت ایلی، سنت‌گرایی، انزوای اجتماعی و زندگی طایفه‌ای می‌داند.

موتو^۱ (۱۹۹۵)، در پژوهشی با عنوان "شبانی و نزاع در کشورهای شاخ آفریقا" با رویکرد ترکیبی (کمی - کیفی) نشان می‌دهد که عوامل اقتصادی از جمله؛ نبود و عدم دسترسی به زمین مناسب برای کشت و کشاورزی، دامداری و شبانی و نبود آب کافی، عدم حمایت دولت، ضعف نظام سنتی و عوامل طبیعی از جمله؛ کاهش بارندگی در بیابان، کاهش آب لازم و همچنین افزایش مناطق محافظتی از حیوانات وحشی توسط دولت که

^۱ Mkutu

منجر به کاهش زمین، آب، چراگاه شده است، به درگیری و نزاع بین مناطق شبان‌نشین آفریقا انجامیده است.

عبدلا و الهادری^۱ (۲۰۱۱)، در تحقیق با عنوان "حق چرای عشایر و طولانی‌تر شدن مدت نزاع در شرق سودان" نشان می‌دهند عدم احساس امنیت مالکیت زمین، تعصب اجتماعی، مسائل ناموسی، کنترل اجتماعی، فرهنگ سنتی و ساختار اجتماعی عامل اصلی نزاع دسته‌جمعی هستند.

نتیجه‌گیری کلی مباحث پیشینه‌ی پژوهش نشان می‌دهد که نزاع طایفه‌ای در جوامع سنتی و عشایری جز مسائل اجتماعی و رایج آن می‌باشد که از عوامل مختلف ساختار اجتماعی، تعرض به مراتع چراگاهی، آب، اقتدارگرایی، سنتی بودن جامعه، کمیابی منابع، مسائل ناموسی، عصبیت، تحریک احساسات، فرهنگ حاکم بر نحوه‌ی تربیت افراد و جامعه‌پذیری آن‌ها و زندگی کوچ‌نشینی و رقابت از عوامل منجر به نزاع دسته‌جمعی هستند. اکثر این نزاع‌ها حالتی گروهی مبتنی بر خویشاوندی، طایفه‌ای و ایلی دارند که هم‌خون بوده و بنا به مقتضیات جامعه، از همدیگر در مقابل گروه غیر خودی دفاع نموده و وارد نزاع گروهی می‌شوند.

مبانی و چارچوب نظری پژوهش

نزاع عبارت است از کشمکشی مشهود و مستقیماً قابل‌رؤیت، حداقل بین دو نفر و یا کشمکشی بین افراد یا جمعی بر سر ارزش‌ها، ادعا، وضعیت، قدرت و یا منابع کمیاب است که در آن گروه درگیر در نزاع از برتری ارزش یا ادعاهای خود حمایت می‌کنند (بیرو، ۱۳۷۵: ۴۵۶).

به زعم "مرتن و نیزبت"، شرایطی که منجر به بی‌سازمانی اجتماعی در جامعه می‌شود، در درجه اول به واسطه فروپاشی هنجارها و توقعات و در وهله دوم به‌تنهایی به دلیل تضاد است (مرتن و نیزبت، ۱۹۴۷: ۵۹) نزاع عبارت است از کشمکشی مشهود و از نظر اصولی مستقیماً قابل‌رؤیت، حداقل بین دو نفر (شایان مظفر، ۱۳۸۸: ۲۳۲).

نزاع جمعی معمولاً در مناطقی که ساختار اجتماعی و قومی و قبیله‌ای دارند و روحیه‌ی همکاری در آن‌ها بالاست به وقوع می‌پیوندد و در نتیجه با ایجاد بین یک قوم ارزش و اعتبار یک قوم یا قبیله را بالا می‌برد لیکن با از دست رفتن عناصر فرهنگی و حتی

^۱ Yasin Abdalla and Eltayeb Elhadary

اکثر جان طرفین همراه می‌گردد؛ بنابراین نزاع دسته‌جمعی متأثر از نوع معیشت و مکان زندگی (روستا یا شهر) و طبقه‌ی اجتماعی افراد؛ میزان حاکمیت قانون و اعتماد به ساختارهای حاکمیتی در حل این مسائل تعریف نقش و شخصیت فرد، خانواده، عشیره و قبيله و میزان وابستگی افراد به ساختار اجتماعی، ارزش‌ها و اعتقادات و ... است.

به زعم «تونگ» (۲۰۰۷)، طوایفی که ناهمگون‌تر هستند، احتمال بیشتری وجود دارد که خشونت بیشتری داشته باشند. یکی از عواملی فرهنگی - اجتماعی دیگری که حریم خانواده را مورد تهدید قرار می‌دهد، فرهنگ "ناموس‌پرستی" می‌باشد که مبتنی بر حمایت از خانواده است. تهدید حریم خانواده، به معنای تهدید طایفه می‌باشد. «عموماً زمانی که شخصی آبرو، ناموس یا جاه و منزلت طرف درگیر را زیر سؤال ببرد، خشونت و ستیزه‌جویی شدت می‌یابد و با نقض یا زیرپا گذاشتن اصول و مبادی اخلاقی و رسوم مبتنی بر عرف عام یا اقدامی افتراآمیز از سوی یکی از طرفین، نزاع روی دهد» (بومیستر و همکاران، ۱۹۹۶).

اساساً آسیب‌های اجتماعی ناشی از روابط ناسالم انسانی است که بنیان‌های جامعه را بطور جدی تهدید می‌کند و مانع تحقق نیازمندی‌ها و تقاضاهای افراد کثیری می‌گردد. به نظر می‌رسد آسیب‌های اجتماعی وقتی به وجود می‌آید که نهادهای تنظیم‌کننده‌ی روابط بین افراد با شکست روبرو شده و دچار تزلزل شوند که نتیجه‌ی آن شکل‌گیری شکاف‌های عمیق بین افراد است. در چنین وضعیتی قوانین تنظیم‌کننده‌ی روابط انسان‌ها مورد بی‌احترامی قرار می‌گیرند و متزلزل می‌شوند زیرا قانونمندی و پذیرش قانون ریشه در ساختارهای جامعه دارد و در رابطه با فرهنگ عمومی جامعه قابل‌بررسی است (کلانتری و دیگران، ۱۳۸۴: ۶۵)؛ همچنین دیکسون (۲۰۰۲) استدلال می‌کند، در جایی که با کمیابی منابع مواجه‌اند، فقر در بین دو گروه، به خشونت و نزاع منجر می‌شود و این منجر به مهاجرت افراد از منطقه می‌شود؛ همچنین کشورهای ثروتمند ممکن است در بخش فرهنگ قوی‌تر باشند، که در این کشورها در دهه‌های گذشته، نزاع و خشونت کمتر اتفاق افتاده است.

به هر حال آمار و ارقام نشان می‌دهند که رشد ابتکارات و طرح‌پیشگیری و کاهش نزاع بین مردم در این‌گونه کشورها در هم تأثیر می‌گذارد؛ یعنی مردم در این‌گونه کشورها، بیشتر باهم در تعامل و معامله هستند تا درگیری. هر چه نابرابری بین گروه‌ها بصورت عمودی باشد، میزان بروز و درگیری بیشتر است و هر چه این نابرابری افقی‌تر شود، میزان وقوع نزاع کمتر می‌شود (هامفریز، ۲۰۰۲: ۳). در چنین بافت خویشاوندی تعصب به کار

نیست، بلکه به نسبت است؛ تعلق به حرفه نیست، بلکه به خانواده و عشیره است (سریع-القلم، ۱۳۸۶: ۵۸-۵۷).

در ساختار عشیره‌ای نظام پشتیبانی خانوادگی یکی از مهم‌ترین عناصر در زندگی بیشتر افراد به شمار می‌آید. چشم‌داشت‌های یاری متقابل و مسئولیت مشترک اجتماعی و حقوقی همگی تحت تأثیر پیوندهای خویشاوندی شکل می‌گیرد. من علیه برادرم؛ من و برادرانم علیه عموزاده‌هایم؛ من و برادران و عموزاده‌هایم علیه دیگران (بی‌تس و پلاگ؛ ۱۳۷۸: ۲۶۰). در جامعه‌ی عشایری نظم انضباطی مبتنی بر سلطه اجتماع و تشابه پذیری از نظر وجدان جمعی مانع انسجام توأم با تفکیک و تفاوت پذیری است. استقلال و هویت فردی تحت‌الشعاع هویت جمعی کوچک و خاص‌گرایانه طایفه‌ای و قبیله‌ای است. این امر دامنه‌ی اعتماد اجتماعی و انسجام جمعی را محدود و نوآوری و تغییر را دشوار می‌سازد. سیطره‌ی اجتماع قومی - قبیله‌ای و نظم اجتماعی خود یکی از موانع توسعه و بهبود حیات اجتماعی مردم عشایر است و حقوق و تکالیف شهروندی در چنین جامعه‌ای تحت‌الشعاع تعهدات و وابستگی‌های خاص‌گرایانه قومی - قبیله‌ای است (عبداله‌ی، ۱۳۷۲: ۲۴۴).

خشونت در قضیه‌ی خونخواهی مطرح می‌شود، گروه‌ها یا خانواده‌ها را به جان هم می‌اندازد و انتقام‌جویی انگیزه‌ی اصلی آن‌هاست. یک خونخواهی نمونه زمانی آغاز می‌گیرد که عضوی از یک خانواده به قتل رسد یا زخمی گردد. در این زمان، خویشاوندان قربانی در صدد انتقام از این جنایت برمی‌آیند و می‌کوشند قاتل یا یکی از خویشاوندان نزدیکش را به قتل برسانند. یک چنین خونخواهی در میان جوامع سنتی رخ می‌دهد (اگبرن و نیمکوف، ۱۳۵۶: ۲). در این قبایل وقتی کسی کشته می‌شود، خویشاوندان مذکر پدر تباری‌اش به شدت احساس می‌کنند که وظیفه دارند از خویشاوندان پدرتباری قاتل انتقام بگیرند. حتی اگر مأموران دولتی قاتل را دستگیر کرده و به مجازات برسانند، باز هم خویشاوندان قربانی می‌کوشند تا انتقام این قتل را بگیرند. انتقام در جوامع ابتدائی و قبیله‌ای یک واجب اخلاقی است، در صورتی که قاتل از عشیره و یا طایفه‌ی دیگر باشد، تمام افراد و خانواده‌ی مقتول حق و وظیفه دارند که قاتل را به قتل برسانند و مواردی با آنکه مجازات عمومی از طرف دولت تعیین می‌شود، آداب اخلاقی و اجتماعی انتقام گرفتن را ساقط نمی‌کند (روح‌الامینی، ۱۳۸۳: ۲۱۹).

مطالعات نشان می‌دهد که عشیره‌گرایی، محرومیت اجتماعی، اختلافات قومی عامل اصلی نزاع هستند (طهماسبی، ۱۳۷۵: ۵۶). در فرهنگ قبیله‌ای وجوه تشابه و تمایز اقوام حتی نسب خانوادگی می‌تواند زمینه‌ی نزاع قرار گیرد؛ عشیره در طول ده‌ها پیش از پدران

شکل گرفته است و نسب از علوم ضروری و اولیه‌ی هر فرد عشایر است، به گونه‌ای که پدر فرزندش را از اوان کودکی با نام اجدادش آشنا می‌کند و می‌کوشد تا آن‌ها را سلسه‌وار به حافظه‌ی فرزندش بسپارد، افتخار به اجداد و نوعی کینه از دشمنان و رقبای آنان و گاه قاتلان احتمالی در قالب داستان‌های ریش‌سفیدان به نسل جدید منتقل می‌شود. عشایر نسبت به طایفه‌ی خود بسیار متعصب و از شایعه‌پردازان غیر محلی سخت متنفرند تا آنجا که بیم قتل نیز می‌رود (وثوقی، ۱۳۸۴: ۱۵). در جوامع سنتی، طایفه‌گرایی و تقسیم به خودی و غیرخودی، محرومیت نسبی و ... عامل تضاد اجتماعی هستند (میرفردی و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۵). هولمبرگ با زندگی در میان مردم بدوی سیروندی در بخش شرقی بولیوی شاهد ۷۵ نوع نزاع بوده است و بیشتر این نزاع‌ها به خاطر توزیع منابع بوده است. وی همچنین در میان قبیله‌ی ساکاراتی که یک جامعه‌ی کوهستانی یونانی است، به فرهنگ جمع‌گرایی در مقابل برون گروه‌ها و نیز در میان درون گروه‌ها اشاره دارد که چوپانان با دزدیدن گوسفندان هم‌گروهی‌های خود برای تأمین گوشت خانواده‌شان، دست به این کار می‌زدند و در طی این اتفاقات خانواده‌ی گسترده و فامیل‌ها بر سر همین قضیه با یکدیگر وارد نزاع دسته‌جمعی می‌شدند و در طی این نزاع جمعی که مختص فرهنگ جمع‌گراست، قتل‌ها و خونریزی‌هایی اتفاق می‌افتاد. به‌زعم تریان‌دیس منابع کمیاب از جمله؛ فرصت ماهیگیری از دریا منجر به فرهنگ جنگجویی و نزاع بین دو گروه از قبایل می‌شود (یان‌دیس، ۱۳۸۸: ۳۲۷).

علت اصلی نزاع و درگیری مردم، کمیابی منابع، محرومیت نسبی، احساس ناراضی و شکاف طبقاتی است (رابرت‌گر، ۱۳۷۷: ۱۵۶). از عوامل مهم نزاع دسته‌جمعی، جامعه‌پذیری، محرومیت نسبی، جنسیت، درآمد و عصبیت می‌باشد (ره‌نمون و همکاران، ۱۳۸۰: ۱۱). گیدنز، علت اصلی نزاع و تضاد در جامعه‌پذیری، انسجام اجتماعی و فقر می‌داند (۱۳۷۷: ۱۰۲).

هاولند^۱ و سیرز^۲ نیز بر این باورند که وقتی بر سر منابع کمیاب رقابت رخ می‌دهد، اعضاء گروه‌ها، یکدیگر را منبعی برای ناکامی احتمالی محسوب می‌کنند و اظهار می‌دارند که اگر دیگری به مزایا دست یابد، دیگر چیزی به من نخواهد رسید. به این ترتیب یک نگرش یا چالش ساده در میان گروه‌ها به خشونت می‌انجامد. نظریه‌ی تضاد گروهی ولد بر تضاد منافع متمرکز است، این نظریه بر دیدگاهی از سرشت انسانی مبتنی است و معتقد

^۱ Hovland

^۲ Sears

است که مردم بطور اساسی موجوداتی گروه درگیر هستند که زندگی شان بخش و محصولی از پیوندهای گروهی شان است. گروه‌ها از میان وضعیت‌هایی شکل می‌گیرند که در آن‌ها اعضا، منافع و نیازهای مشترکی دارند که می‌توان آن‌ها را به بهترین شکل از طریق کنش گروهی فراهم کرد. هنگامی که منافع و هدف‌های گروه‌ها با یکدیگر همپوشانی می‌کنند و با یکدیگر تداخل می‌یابند و رقابتی شکل می‌شوند و در نتیجه گروه‌ها در تضاد با یکدیگر قرار می‌گیرند. تضاد میان گروه‌ها، وفاداری اعضای گروه را به گروه‌های مربوط به خود توسعه می‌دهد و تشدید می‌کند. برای حفظ یا بهبود جایگاه گروه مشخص در میان گروه‌ها، جنگ ستیز کم‌وبیش وجود دارد (احمدی اوندی، ۱۳۹۴: ۸۸). شبکه‌های اجتماعی که ماهیت غیر رسمی دارند عبارت‌اند از؛ روابط رودررو بین محدود افرادی که یکدیگر را می‌شناسند و به واسطه پیوندهای قومی و خویشی، دوستی یا همسایگی به هم وابسته هستند. شبکه‌های غیررسمی نهادهایی هستند که به معنای جامعه‌شناختی مکمل آن، کنش و واکنش‌های الگو دار تکرار شونده‌اند (توسلی: ۱۳۸۵: ۵۷۵). با توجه به مباحث فوق مدل مفهومی پژوهش به شرح زیر می‌باشد.

جدول ۱: مدل مفهومی پژوهش

متغیر	منبع نظری
گرایش به نزاع طایفه‌ای	اگبرن و نیمکوف، پورافکاری، طهماسبی
کنترل اجتماعی	عبداللهی، کلواری، میرساردو مرتضی، شریعتی
جامعه‌پذیری	یاندیس، وثوقی، ردفیلد
معامله‌ی اجتماعی	فرد و بیتس
کمیابی منابع	ناییبی، یاندیس، رابرت‌گر، آل خازین
تقسیم به گروه خودی و غیر خودی	ناییبی، رهنمون، میر فردی
انسجام اجتماعی	گیدنز، سریع‌القلم، هامفیر
محرومیت نسبی	رابرت گر، طهماسبی، میر فردی
مسئله‌ی ناموسی	روح‌الامینی، نانگ

روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر به روش پیمایشی (کمی) و با ابزار پرسشنامه در بین عشایر شهرستان اهر (ایل پیچیک) اجرا شده است. جامعه‌ی آماری مورد مطالعه ۹۵۶ خانوار که از طریق

فرمول کوکران نفر از ۲۷۰ بعنوان حجم نمونه انتخاب شده‌اند. جهت اطمینان از پایایی^۱ ابزار تحقیق، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. بدین صورت که پس از تهیه و تدوین شاخص‌ها و طراحی صورت اولیه پرسش‌نامه، مطالعه‌ای مقدماتی انجام گرفت. در مطالعه‌ی مقدماتی ۳۰ پرسشنامه میان خانوارها توزیع گردید و پایایی آن‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS ۱۹ وارد شدند و پایایی آن‌ها به وسیله‌ی آلفای کرونباخ ارزیابی گردید که مقدار آلفای محاسبه شده نمونه فوق، مربوط به هر متغیر در جدول ۱ آمده است.

جدول ۲: آلفای تحقیق

ردیف	متغیر	آلفای کرونباخ
۱	گرایش به نزاع طایفه‌ای	٪۸۱
۲	کنترل اجتماعی	٪۷۸
۳	جامعه‌پذیری	٪۷۶
۴	معامله‌ی اجتماعی	٪۸۵
۵	کمیابی منابع	٪۷۲
۶	تقسیم به گروه خودی و غیر خودی	٪۷۳
۷	انسجام اجتماعی	٪۸۷
۸	محرومیت نسبی	٪۷۲
۹	مسئله‌ی ناموسی	٪۷۱

فرضیات پژوهش

- ۱- بین احساس محرومیت نسبی و گرایش به نزاع طایفه‌ای رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- ۲- بین انسجام اجتماعی و گرایش به نزاع طایفه‌ای رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- ۳- بین تقسیم به گروه خودی و غیر خودی و گرایش به نزاع طایفه‌ای رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- ۴- بین کمیابی منابع و گرایش به نزاع طایفه‌ای رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- ۵- بین معامله‌ی اجتماعی و گرایش به نزاع طایفه‌ای رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- ۶- بین جامعه‌پذیری و گرایش به نزاع طایفه‌ای رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

^۱ reliability

۷- بین ضعف بازدارندگی بیرونی و گرایش به نزاع طایفه‌ای رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

۸- بین کنترل اجتماعی و گرایش به نزاع طایفه‌ای رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

۹- بین مسائل ناموسی و گرایش به نزاع طایفه‌ای رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

یافته‌های توصیفی

یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که ۸۷٪ از پاسخگویان مرد، ۱۳٪ زن، ۶۵٪ متأهل، ۳۵٪ مجرد، ۷۱٪ بی‌سواد، ۲۹٪ باسواد، ۳۸٪ دارای درآمد بالا، ۲۶٪ درآمد متوسط، ۳۶٪ دارای درآمد ضعیف‌اند و سنین ۲۰-۳۰، ۴۱٪، ۳۱-۴۱ دارای ۱۹٪ و ۴۰٪ بالای ۴۱ سال بودند.

- به نظر شما شرکت در نزاع ایلی و طایفه‌ای تا چه حد ضرورت دارد؟ یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که ۷۴٪ به خیلی زیاد، ۹/۲۵٪ به گزینه‌ی تا حدودی و ۲۵/۷۵٪ به خیلی کم پاسخ داده‌اند. به این ترتیب اکثر پاسخگویان تحت هر شرایطی حاضر نیستند طایفه و خویشاوند خود را در هنگام نزاع و درگیری تنها بگذارند و در صورت قوی بودن گروه خود نیز به حمایت از گروه خود برمی‌خیزند؛ این نشان می‌دهد که همچنان در طرز تفکر، رفتار و نگرش هم‌وطنان حمایت ایل با توجه به فقدان امنیت مرکزی یک شاخص اصلی تلقی می‌شود.

- به نظر شما عدم همکاری با طایفه در هنگام نزاع دسته‌جمعی نشانه‌ی بی‌غیرتی است؟ یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که ۹۰/۷۴٪ افراد اعلام داشته‌اند در صورت عدم همکاری با طایفه در هنگام نزاع دسته‌جمعی از طرفی بی‌غیرت تلقی می‌شوند و تمامی افراد حاضرند در صورت عدم تمایل به همکاری به اجبار و فشار اجتماعی در نزاع شرکت داشته باشند و عدم حمایت از افراد ایل را نشانه‌ی بی‌غیرتی می‌دانند که نوعی ننگ بر فرد می‌باشد.

- تا چه حد بزرگان ایل و ریش‌سفیدان در تعیین و تشویق شما به هم‌پستی در نزاع طایفه‌ای اثرگذار است؟ نتایج توصیفی نشان می‌دهد که ۵۹/۲۵٪ نقش ریش‌سفیدان را در تشویق و تهییج به حمایت از هم طایفه‌ای را خیلی زیاد، ۲۸/۸۸٪ تا حدودی و ۱۱/۵۸٪ خیلی کم گفته‌اند. این بیان می‌کند که نقش ریش‌سفیدان و معمرین در کل تأثیر ساختار و فرهنگ پدرسالاری و ساختار اجتماعی در تعیین کنش فردی بسیار مؤثر است و رفتار تصمیم فرد تابع تصمیمات ساختار اجتماعی است.

- تا چه حد معتقدید که امروزه نیازی به نزاع نیست و قانون می‌تواند حق آدمی را بدهد؟ یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که اکثر افراد ۴۹/۶۲٪ به گزینه‌ی خیلی کم، ۲۴/۴۴٪ تا حدودی، ۲۵/۹۴٪ به خیلی زیاد پاسخ داده‌اند. ادعا دارند که زور راه حل خوبی برای گرفتن حق نیست. به این ترتیب محیط عشایری انسان‌ها را طوری تربیت می‌کند که بطور طبیعی و با استفاده از توانایی‌های شخصی بر اساس اصل هابزی در محیط روابط برقرار نماید و این اصل نشان می‌دهد که اگر انسان‌ها احساس کنند که با استفاده از قانون می‌تواند به حق برسند امری اشتباه است و همین امر باعث می‌شود درگیری و اختلافات زیادتر شود.

- تا به حال در نزاع طایفه‌ای شرکت کردید؟ نتایج نشان می‌دهد که اکثر افراد یعنی ۸۶/۶۶٪ اعلام داشته‌اند که در نزاع دسته‌جمعی شرکت داشته‌اند.

- آیا حاضرید در صورت مصالحه، ازدواج مابین طایفه‌ها صورت بگیرد؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که اکثر پاسخگویان ۷۴/۰۷٪ حاضر نیستند در هر صورت ازدواج برون‌گروهی در بین طوایف عشایر صورت بگیرد و تمایل دارند ازدواج‌ها حالتی درون‌گروهی داشته باشند. در نتیجه ازدواج‌ها حالتی درون‌گروهی دارد. همین عامل باعث جدایی هر چه بیشتر طوایف از همدیگر شده و کینه‌ها و اختلافات را نیز زیادتر می‌نماید.

- در کدامیک از زمینه‌های زیر همیاری محلی به اجبار هم که شده وجود دارد؟ یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که اکثر پاسخگویان ۷۳/۷۰٪ اعلام داشتند که در مراسم سوگ همیاری محلی وجود دارد و مردم سوای اختلافات و کینه‌ها به کمک هم می‌شتابند.

جدول ۳: یافته‌های استنباطی بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته (گرایش به نزاع طایفه‌ای)

متغیر مستقل	نوع آزمون	ضریب همبستگی	معناداری
احساس محرومیت نسبی	پیرسون	۰/۳۳	۰/۵۶۷
انسجام اجتماعی	پیرسون	-۰/۴۱	۰/۰۰۰
تقسیم به گروه خودی و غیر خودی	پیرسون	۰/۵۵	۰/۰۰۰
کمیابی منابع	پیرسون	-۰/۶۶	۰/۰۲۲
معامله‌ی اجتماعی	پیرسون	-۰/۲۵	۰/۰۰۰
جامعه‌پذیری	پیرسون	۰/۴۸	۰/۰۰۰
کنترل اجتماعی	پیرسون	۰/۴۵	۰/۸۱۰
ضعف بازدارندگی بیرونی	پیرسون	-۰/۳۹	۰/۰۰۲
مسئله‌ی ناموسی	پیرسون	۰/۵۵	۰/۰۰۰

- نتایج آزمون پیرسون نشان می‌دهد که بین احساس محرومیت نسبی و گرایش به نزاع طایفه‌گرایی معنی‌داری وجود ندارد.
- نتایج آزمون پیرسون نشان می‌دهد که بین انسجام اجتماعی و گرایش به نزاع طایفه‌ای در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ با ضریب همبستگی ۰/۴۱- رابطه‌ی معنی‌داری و معکوسی وجود دارد. بدین منظور هر چه میزان انسجام اجتماعی کمتر، میزان گرایش به نزاع طایفه‌ای بیشتر خواهد بود. پس با افزایش انسجام اجتماعی، میزان نزاع طایفه‌گرایی کاهش خواهد یافت.
- یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین دو متغیر تقسیم به گروه خودی و غیر خودی و نزاع طایفه‌گرایی رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. در نتیجه هر چه میزان گرایش گروه به تقسیم به گروه خودی و غیر خودی بیشتر باشد، میزان فاصله‌ی اجتماعی بیشتر شده و در نتیجه کینه، نفرت و گرایش به نزاع طایفه‌ای افزایش خواهد یافت.
- نتایج حاصل از آزمون پیرسون نشان می‌دهد که بین کمیابی منابع و گرایش به نزاع طایفه‌ای رابطه‌ی معنی‌دار و معکوسی وجود دارد و مقدار ضریب همبستگی برابر با ۰/۶۱- می‌باشد؛ بدین معنی هر چه منابع کمیاب‌تر، میزان گرایش به نزاع طایفه‌ای بیشتر خواهد بود.
- یافته‌های آزمونی پیرسون نشان می‌دهد که بین دو متغیر معامله‌ی اجتماعی و گرایش به نزاع طایفه‌ای رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. این مقدار در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ برابر با ۰/۲۵- می‌باشد. پس هر چه میزان معامله‌ی اجتماعی در بین گروه‌های اجتماعی افزایش یابد، میزان گرایش به نزاع طایفه‌ای کاهش خواهد یافت. در نتیجه معامله‌ی اجتماعی به کاهش تضاد اجتماعی و ستیز بین گروهی و درون‌گروهی کمک خواهد کرد.
- نتایج آزمون پیرسون نشان می‌دهد که بین جامعه‌پذیری و گرایش به نزاع طایفه‌ای رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. جامعه‌پذیری فرد در فرهنگ عشایری باعث گرایش فرد به نزاع طایفه‌ای می‌شود.
- یافته‌های آزمون نشان می‌دهد که بین دو متغیر کنترل اجتماعی و گرایش به نزاع طایفه‌ای رابطه‌ی معنی‌داری وجود ندارد.
- نتایج آزمون استنباطی حاکی از این است که بین دو متغیر ضعف در بازدارندگی بیرونی و گرایش به نزاع طایفه‌ای رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. هر چه میزان بازدارندگی

بیرونی ضعیف‌تر به همان میزان، به دلیل فقدان آمریت و نظارت بر افراد، گرایش به رفتارهای خشونت‌آمیز و نزاع طایفه‌ای بیشتر می‌شود.

- نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که بین دو متغیر مسائل ناموسی و گرایش به نزاع طایفه‌ای رابطه‌ی مستقیم و معناداری دارند.

جدول ۴: خلاصه مدل آماری رگرسیون چند متغیره

شاخص‌های مدل آماری	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	سطح معنی‌داری
مقادیر	۰/۶۷۱	۰/۴۲۱	۰/۰۰۰

مقدار ۰/۶۷۱ بیانگر مقدار ضریب همبستگی چندگانه بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل تحقیق می‌باشد. ضریب تعیین که مجذور ضریب همبستگی چندگانه می‌باشد، معرف درصدی از واریانس متغیر وابسته است که مدل آن را توجیه می‌کند؛ بنابراین متغیرهای معنی‌دار فوق ۴۲/۱ درصد از متغیر گرایش به نزاع طایفه‌ای را تبیین می‌کنند.

نتیجه‌گیری

نزاع طایفه‌ای حالت و شرایطی گفته می‌شود که طی دوره‌ها و زمان‌های مختلف به صورت بالقوه در بین مردم عشایر خود را حفظ نموده و در صورت برخورد و تقاطع عمودی در روابط به حالت عینی تبدیل می‌شود. این‌گونه درگیری بر سر مسائل مثل مراتع، آب، سرقت احشام، نگاه ناموسی، مزاحمت ملکی و چراگاه، مزاحمت جنسی، توهین و رقابت برای دستیابی به منابع ارزشمند و اختلافات تاریخی و اجدادی بین گروه‌ها اتفاق می‌افتد. ضمن اینکه آسیب‌های فرهنگی، اجتماعی و روان‌شناختی در زمان بروز دارد بلکه این‌گونه پیامدهای تا مدت‌ها در بین گروه‌های عشایری خود را حفظ می‌نماید. جامعه‌ی عشایری به جامعه‌ای گفته می‌شود که زندگی‌شان وابسته به سه چیز مرتع، دام و هویت ایلی بوده و مدتی از زمان در دو مسیر بیلاق و قشلاق سپری می‌نمایند. به این خاطر به سختی‌های زندگی، دست پنجه نرم کردن با مشکلات اقتصادی و طبیعت عادت نموده و دلاوری و شجاعت و ایستادگی در مقابل حریف جز امتیازات بزرگی برای آن‌ها می‌باشد. بردو باخت، جنگجویی تا مدتی در بین طوایف بازگو می‌شود. به این خاطر رفتار خشونت‌بار و گرایش به نزاع دسته‌جمعی در این‌گونه اجتماعات به امری عادی تبدیل شده است.

وجود رابطه‌ی بین انسجام اجتماعی و نزاع طایفه‌ای بیان می‌کند که نبود انسجام اجتماعی بین افراد جامعه میزان گرایش به اختلاف و نزاع را افزایش می‌دهد، در صورتی در جامعه‌ی همدلی نباشد، میزان مشارکت پایین است، با وجود این دو مورد فاصله‌ی اجتماعی بیشتر شده و نوعی شکاف اجتماعی در جامعه در بین روابط افراد به وجود آمده که نهایتاً به تضعیف انسجام اجتماعی منجر می‌شود. تضعیف انسجام به نبود همدلی، رفت‌وآمد مناسب، عدم همکاری در بحران‌های اجتماعی و داشت و برداشت محصولات کشاورزی، قرض دادن و قرض گرفتن اشاره دارد. انسجام اجتماعی که به مثابه زنجیره‌ای به هم پیوسته یا بعنوان رکنی از سرمایه‌ی اجتماعی افراد را در کنار هم به صورت جمعی نگه می‌دارد و در مقابل بحران و آسیب‌های اجتماعی بعنوان پیلای حفاظتی عمل می‌کند و در صورت وجود اختلافات باعث کاهش میزان تنش و درگیری می‌شود.

حالا هر چه از سطح انسجام اجتماعی گروه کاسته شود به همین اندازه شکاف منزلتی، ارزشی را در بین خود متصور خواهند شد. جامعه عشایری مبتنی بر تعلقات طایفه‌ای است. طایفه از خویشاوند، فامیل و تبار خونی و غیر خونی تشکیل شده است. ضرورت زندگی، تهدید و ناامنی باعث می‌شود که افراد از هم حمایت نمایند و این حمایت باعث شکل‌گیری گروه خودی در مقابل غیرخودی می‌شود، خودی یا مایی و غیر خودی یا آن‌هایی همان دوست و دشمن هستند که به هنگام اختلافات داخلی شکل می‌گیرد و به هنگام اختلافات بیرونی به تشکیل ایل اقدام می‌کنند و در مقابل دیگران بیگانه باهم دوست می‌شوند؛ بنابراین تقسیم مایی و آن‌هایی باعث افزایش اختلافات اجتماعی و نزاع دسته‌جمعی می‌شود. پس هر چه بین گروه چنین تقسیم‌بندی و شکاف بیشتر شود به همین اندازه میزان گرایش به نزاع نیز افزایش خواهد یافت.

وجود رابطه‌ی بین کمیابی با نزاع طایفه‌ای نشان می‌دهد بین این دو متغیر رابطه‌ی معناداری وجود دارد؛ یعنی هر چه در جامعه، منابع کمیاب محدودتر، میزان ستیز و درگیری طایفه بر سر به دست آوردن سهمی از منابع طبیعی و چراگاه بیشتر خواهد بود. از جمله منابعی که مردم عشایر در جهت دستیابی به آن به رقابت می‌پردازند؛ مراتع برای چرا، تهیه آب برای احشام، تجاوز و تصرف چراگاه همدیگر و ... می‌باشد. کمی منابع و افزایش احشام و جمعیت باعث رقابت بیشتر بر سر دستیابی به آن می‌شود که از نتایج آن شکل‌گیری نزاع دسته‌جمعی می‌باشد.

عنصر اصلی که میزان تخاصم پرخاشگری گروه‌ها را نسبت به هم بیشتر می‌کند بحث کمیابی منابع است. گروه‌های برای رسیدن به آن و کسب سهمی بیشتر به همدیگر به

چشم رقیب می‌نگرند و آنگاه حتی برادر و قوم‌وخویش نزدیک نیز به‌مثابه دشمن خونی تلقی می‌شود و گروه‌ها را در مقابل هم قرار می‌دهد.

بدین ترتیب در صورت وفور میزانی بیشتر از منابع مثل مراتع، چراگاه، ارائه کمک‌های دولتی به مردم عشایر از طریق سهمیه و یارانه، میزان گرایش به نزاع طایفه‌ای نیز کاسته می‌شود؛ پس می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که با وفور سطح رفاه اجتماعی در بین گروه‌های سنتی عشایر، احتمال گرایش به نزاع طایفه‌ای کاسته می‌شود. منظور از معامله‌ی اجتماعی بده و بستان بین طوایف است از قبیل، قرض دادن، قرض گرفتن، ازدواج، همپاری محلی می‌باشد. وجود معامله‌ی اجتماعی بین گروه باعث نزدیکی، کاهش فاصله‌ی اجتماعی، پر شدن شکاف‌ها، افزایش صفا و صمیمیت، زدودن کینه، آشنایی گروه به خصلت و خلق‌وخوی هم می‌باشد. در صورتی چنین مسائلی بیشتر شود، تضاد و ستیزه‌ی گروهی کاهش می‌یابد.

در صورت نبود معامله‌ی اجتماعی میزان تعارض و گرایش به نزاع دسته‌جمعی نیز افزایش می‌یابد. زندگی در محیط‌های سنتی از لحاظ امرار و معاش حالتی بسته و خودکفا دارد به این خاطر گروه‌های سنتی نیازهای خود را از همدیگر تأمین می‌نمایند. از جمله تهیه‌ی ماست، کره، شیر، نان، وسایل آلاچیق، سایر معامله‌هایی که گروه به هم به‌مثابه شبکه‌ی اجتماعی متصل می‌نماید و سطح انسجام، پیوستگی گروهی، همدلی و خونگرمی را در بین گروه‌های سنتی افزایش می‌دهد، در صورتی که با کاهش این‌گونه تبادلات، میزان خصومت و کشمکش نیز افزایش یافته و باعث گرایش فرد به نزاع‌های طایفه‌ای خواهد بود. فرهنگ جامعه‌پذیری در جامعه‌ی عشایری بر این اصل متکی است که فرزند باید شغل پدری را در پیش بگیرد و حرفه‌اش دامداری و گله‌داری باشد.

شرایط زندگی در چنین جامعه‌ای با هراس، نزاع و قتل و درگیری همراه است و قدرت و شجاعت، دلیری، جنگجویی، نترسیدن در مردان از اصلی‌ترین ملاک ارزیابی محسوب می‌شود. در نتیجه یک جوان باید در جامعه‌ی عشایری چنین خصلت‌های را داشته باشد. به این خاطر فرد یک سری از وظایف امنیتی را از دوران کودکی فرامی‌گیرد. به این خاطر چنین جامعه‌پذیری باعث گرایش فرد به نزاع دسته‌جمعی می‌باشد.

تمامی رفتارهایی که فرد در رابطه با ایل و سایر طوایف یا هم‌نوعان خود انجام می‌دهد بر پایه‌ی نوع تربیت خانواده و گروه طایفه‌ای خود می‌باشد. فرد خارج از تصمیم گروه نمی‌تواند عملی را از خود نشان دهد.

به این ترتیب فرهنگ حمایت از طایفه، هم‌پستی از ایل در بحران و درگیری‌ها، مقاومت در برابر قدرت‌طلبی و حس برتری‌جویی، رفتار تند و پرخاشگرانه داشتن، ایجاد هراس اخلاقی و اجتماعی در گروه دیگر از حین ورود فرد به گروه ایلی آموزش داده می‌شود و چنین جامعه‌پذیری گرایش فرد را به نزاع طایفه‌ای بیشتر می‌کند.

فهرست منابع:

احمدی اوندی، ذوالفقار (۱۳۹۴). عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر نزاع دسته‌جمعی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران. آگ‌برن و نیم کف، مایر (۱۳۵۶). زمینه‌ی جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی آریانیور، تهران: انتشارات فرانکلن.

بیرو، آلن (۱۳۷۵). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه‌ی باقر ساروخانی، تهران: کیهان. پورافکاری، نصرالله (۱۳۸۳). نزاع‌های جمعی محلی، مجموع مقالات اولین همایش ملی طرح مسائل جامعه‌شناسی ایران.

توسلی، غلامعباس (۱۳۸۵). نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ دوازدهم، پاییز.

خیال‌پرستان، یعقوب (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر نزاع و درگیری‌های محلی در میان روستائینان شهرستان دنا در فاصله سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۸۲، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی دهقان.

رابرت‌گر، تد (۱۳۷۷). چرا انسان‌ها شورش می‌کنند، ترجمه‌ی علی مرشدی‌زاد، تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی.

رضایی، نورالله و بحرینی، مجید (۱۳۸۲). "مطالعه‌ی رابطه‌ی عوامل فرهنگی اجتماعی با نزاع‌های دسته‌جمعی قومی و قبیله‌ای در شهرستان لردگان"، فصلنامه‌ی مطالعات و امنیت اجتماعی.

رهنمون، صمد؛ تنومند، محسن و رادپور، علی‌اکبر (۱۳۸۰). شناسایی اختلافات و منازعات محلی در مناطق شهری و روستاهای آذربایجان شرقی.

روح‌الامینی، محمود (۱۳۸۳). گرد شهر با چراغ در میانی انسان‌شناسی، تهران: عطار. سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۶). فرهنگ سیاسی ایران، تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چاپ اول.

شاپان مظفر، علیرضا (۱۳۸۸). دائرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی، تهران: کیهان، چاپ ششم.

شریعتی، مسعود؛ مهاجری، محمدکاظم و ملکی، ابوالفضل (۱۳۹۱). "بررسی عوامل مؤثر بر تمایلات بالقوه به نزاع‌های دسته‌جمعی در شهرستان خدابنده"، فصلنامه‌ی پژوهش‌های

انتظام اجتماعی، سال چهارم، شماره‌ی دوم، تابستان ۱۳۹۱

صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۵). آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات آن.

طهماسبی، علیرضا (۱۳۷۵). طرح بررسی روش‌های حل منازعات قومی منجر به قتل در بین عشایر ایل تبار ایلام: شورای پژوهشی اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی.

عبداللهی، محمد (۱۳۷۲). نظام ایلی، ماهیت و مختصات عمده‌ی جامعه‌ی عشایری ایران، فصلنامه‌ی علوم اجتماعی، دوره‌ی اول، شماره‌های ۲ و ۳.

فرد، پلاک و بیتس، دانیل (۱۳۸۷). انسان‌شناسی فرهنگی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.

کلانتری، صمد؛ ربانی، رسول و صداقت، کامران (۱۳۸۴). "ارتباط فقر با قانون‌گریزی و شکل‌گیری آسیب اجتماعی"، فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره‌ی ۱۸.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

میرفردی، اصغر؛ احمدی، سیروس و صادق‌نیا، آسیه (۱۳۸۹). "میزان گرایش به نزاع‌های دسته‌جمعی در میان مردان ۱۵ تا ۶۵ سال شهرستان بویراحمد و عوامل مؤثر بر آن"، فصلنامه‌ی مطالعات امنیت اجتماعی.

میرساردو، طاهره و مرتضی، علیرضا (۱۳۹۱). "بررسی عوامل اجتماعی مؤثر در وقوع نزاع دسته‌جمعی در شاهرود"، فصلنامه‌ی دانش انتظامی سمنان، سال دوم، شماره‌ی ششم، زمستان.

نایی، هوشنگ و جسور خواجه، تقی (۱۳۸۸). "ریشه‌یابی نزاع‌های دسته‌جمعی (مورد مطالعه: روستای کوچ و افشرد از توابع خواجه در استان آذربایجان شرقی)"، مجله‌ی توسعه‌ی روستایی، دوره‌ی اول، شماره‌ی ۱، پاییز و زمستان.

هری. س. یاندیس (۱۳۸۳). فرهنگ و رفتار اجتماعی، ترجمه‌ی نصرت فتی، تهران: نشر رسانش.

وثوقی، منصور (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی و فرهنگی روستا، کتاب سبز راهنمای عمل دهیاری‌ها، تهران: سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.

Abdalla, Yasin & Elhadary, Eltayeb (2011). "Pastoral Land Rights and Protracted conflict in eastern Sudan", University of Khartoum, Faculty of Geography, and Post. P. 123.

Baumeister, R.F. Smart, L. & Boden, J.M. (1996). "Relation of threatened egotism to violence and aggression: the dark side of high self-esteem", Psychol. Rev. 103: 5-33.

Eitzens, Maxineb (1992). "Social Problems", Allyn, bacon, Boston, p 509-368.

El Khazin, Tag (2002). "Analysis: tribal conflict in west Sudan and northern parts of south Sudan (Darfur i)", paper I of III: landscape and Identification Subsaharacentre.433.p198.

Gogoneni, Rupo (2014). "Kenyans, Somalis clash in Nairobi", RFI. M21.

Humphreys, Macartan (2002). Economics and violent conflict, Harvard University.nm.p 267.

Merton, R, R. Nisbet (1974). Contemporary Social Problem. New York: Harcourt Brace Jovanovich, Inc, yamin.p 12-50

Mkutu, Kennedy (1998). Pastoralism and conflict in the horn of AF Afrigha.chamuliry.p 601.

Nesbit, Becky (2003). The Role of NGOs in Conflict Resolution.p 11.

Redfield, R. (1947). "The Folk Society", the American Journal of Sociology.

Rice, Xan (2009). "Women and children targeted in Sudan clash leaving 185 people dead", The Guardian (London), Retrieved 5 August 2009.

Richmond, Matt (2011). "Sudan Death Toll in Abyei Region Rises to 76, South's Army Says", Business Week. P 345.

Saikal, Amin (2006). Modern Afghanistan: A History of Struggle and Survival. I.B. Tauris & Co Ltd., London New York. p. 352. ISBN 978-1-85043-437-5.

Tong, Rebecca (2007). Explaining Ethnic Peace: The Importance of Institution," Res Publica – Journal of Undergraduate Research: Vol.14, p. 7.